

## گوگوش و شهناز تهرانی تاملاتی بر ضمیر ناخودآگاه جمعی ایرانیان نوشته‌ی دکتر عباس احمدی

در دهه های اخیر در فرهنگ عامه ی مردم ایران، دو هنرمند زن به شهرت رسیدند. یکی گوگوش با سینه های کوچک و بدن لاغر و متناسب و دیگری شهناز تهرانی با سینه های گوشتالود و بدن چاق و شهوت انگیز. در این مقاله می خواهیم نشان بدهیم که اولاً این دو زن، در ضمیر ناخودآگاه جمعی ایرانیان، سمبول یک مادر دوچهره می باشند. به این ترتیب که گوگوش سمبول و فرامود «چهره ی اثری مادر» و شهناز تهرانی سمبول و نشانه ی «چهره ی لکاته ی مادر» است. ثانیاً پدیده ی سنگسار در ایران با این مادر دوچهره ی «اثری - لکاته» ارتباط دارد و نوعی انتقام گیری پسر از مادر بی وفاست.

\*\*\*

برای پژوهش در این مساله باید از دوران بزرگسالی به دوران شیرخوارگی برویم و رابطه ی کودک شیرخوار با مادر را در این دوره ی بسیار حساس و سرنوشت ساز مطالعه کنیم.

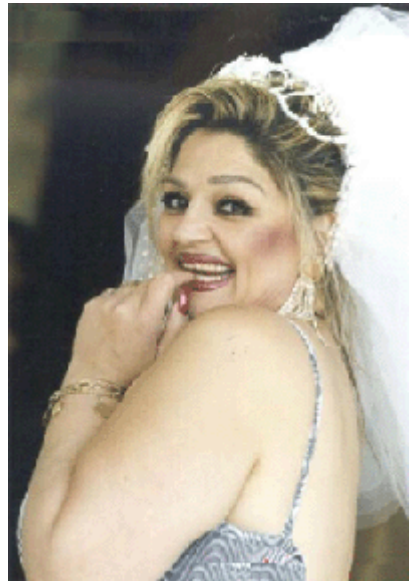
### گوگوش: مادر اثری



پسر، در دوران شیرخوارگی، در آغوش مادر است و از پستان او شیر می خورد، در این دوران، پسر دلبسته ی مادر است و از پدر که مانع کامیابی او است متنفر است. به تدریج عشق به مادر در کودک شدت می یابد و دشمنی با پدر و کشتن پدر، آرزوی پسر می شود. در این مرحله، مادر در چشم پسر، به صورت زنی اثری و پاک و زیبا و اهورایی جلوه می کند. فرامود این جنبه از

شخصیت مادر می تواند در پیکر زنی مانند گوگوش جلوه گر شود و او را به صورت بتی دلخواه در آورد که شایسته ی عشقی پاک و معصومانه است. پسر، به طور ناخودآگاه، آرزو می کند که این مادر اثری با پدرش جماع نکند و به عشق آتشین پسر وفادار بماند. در مخیله ی پسر، این مادر اثری باید از تمام خصیصه هایی که شهوت را در پدر بر می انگیزد پاک شود. به عبارت دیگر باید پستان های درشت و باسن و ران های گوشتالود از پیکر این بت اثری زدوده شود و او به صورت فرشته ای با سینه های تقریباً صاف و باسنی لاغر و ران هایی کشیده در آید. چهره ی اثری «گوگوش» نشانه ی این آرزوی ناخود آگاه پسر جوان است. پسری که مادر خود را به صورت فرشته ای بیگناه و باکره می خواهد.

### شهناز تهرانی: مادر لکاته



گرچه پسر نمی خواهد مادرش با کسی جز او رابطه داشته باشد. اما در عالم واقع، مادر علی رغم میل پسر با پدر همبستر می شود. پسر جوان از این «خیانت» مادر بسیار ناراحت می شود و در پیش خود، او را به صورت لکاته ای هوسباز و فاحشه ای شهوتران تصویر می نماید که به عشق او خیانت کرده است. در این جا، مادر دیگر مانند مریم عذرا، پاک و آسمانی نیست، بلکه موجودی ناپاک و شهوت ران است که به عشق پسر خیانت کرده است. این مادر شهوت ران در مخیله ی پسر جوان به صورت زنی لکاته جلوه گر می شود که با پستان های درشت و بدن گوشتالود، مانند فاحشه ها، به دنبال ارضای غریزه های جنسی خود می باشد. فرانمود این جنبه از شخصیت مادر می تواند در پیکر زنی مانند شهناز تهرانی جلوه گر شود. زنی شهوتران و سهل الوصول که نه شایسته ی عشقی آسمانی و ملکوتی، بلکه شایسته ی شهوتی زمینی و حیوانی است.

در ضمیر ناخودآگاه جمعی عوام الناس در ایران، «گوگوش اثری» و «شهناز تهرانی لکاته»، دو روی یک سکه اند. از ترکیب این دو زن، شخصیت مادر دوچهره ی «اثری - لکاته» ساخته می شود. عشق آسمانی به

گوگوش و شهوت زمینی به شهناز تهرانی، ریشه در رابطه‌ی پسر خردسال با مادرش دارد. رابطه‌ی ای آمیخته به عشقی آسمان و شهوتی زمینی. علت اصلی شهرت و محبوبیت گوگوش و شهناز تهرانی در ایران، از نظر روانشناسی بالینی، میل سرکوفته‌ی جماع با مادر در نظام جابراهی پدرسالاری است. نمونه‌های دیگری از تیپ مادر لکاته در دهه‌های اخیر در ایران، بانو مهوش و بانو آفت می‌باشند که در مخیله‌ی مرد ایرانی سمبل و فرامود مادر بی‌وفا و معشوقه‌ی شهوت‌ران به شمار می‌روند. زن هرچه شهوت‌ران‌تر و لگوری‌تر و لکاته‌تر باشد، محبوب‌تر و مطلوب‌تر است. عشق آتشین به زن‌های «هرزه» و «لکاته» که صادق‌هدایت در رمان بوف کور، با استادی تمام، آن‌را نشان داده است از همین چهره‌ی لکاته‌ی مادر هوسباز سرچشمه می‌گیرد. در اساطیر و فولکلور ایران، بیشتر عفریته‌های جادوگر که در پی فریب پهلوان داستان‌اند، سمبول و فرامود نیمه‌ی لکاته‌ی شخصیت مادر می‌باشند. فیلم‌های فدریکو فلینی، سینماگر پرآوازه‌ی ایتالیا، یک سره در زیر سلطه‌ی این مادر سلیطه‌ی شهوت‌ران و جبار ساخته شده است.

### سنگسارِ مادر زناکار

در آفرینش چهره‌ی اهریمنی مادر خطاکار، یکی از مکانیسم‌های روانی یعنی مکانیسم برون‌افکنی نقش عمده‌ای دارد. پسر جوان وسوسه‌های درونی خود و میل به جماع با محارم را برون‌افکنی می‌کند و آن‌ها را به مادر خود نسبت می‌دهد. از نظر پسر جوان، این او نیست که می‌خواهد با مادر خود بخوابد، بلکه این مادر خطاکار است که قصد فریب پسر بیگناه را دارد. در این مرحله، مادر به صورت عفریته‌ی دیوسیرتی در می‌آید که می‌خواهد پسر جوان را از راه بدر ببرد. در نظام جابراهی پدرسالاری، مجازات چنین مادر خطاکاری مرگ است. اگر نتوان مادر اصلی را به سزای اعمالش رساند، یاید زن دیگری را پیدا کرد که با مردان غریبه همبستر شده است و او را به جای مادر زناکار، سنگسار کرد. مردی که به سوی زنی زناکار سنگ پرتاب می‌کند، در حقیقت، مادر زناکار خود را که به جای پاسخ به عشق پاک پسر، با پدر همخوابه شده است، مجازات می‌کند. پدیده‌ی سنگسار، از نظر روانشناسی بالینی، نوعی مادر کشی است. در این مراسم خونبار، پسر جوان از مادر خود انتقام می‌گیرد. کشتن زنان جادوگر در داستان‌های ایرانی، نمونه‌ی بهداشتی شده‌ی آیین سنگسار است. داستان‌سرای ایرانی، با کشتن عفریته‌ی جادوگر، به طور ناخودآگاه، مادر خود را می‌کشد و خواننده‌ی داستان با دیدن این مراسم مادرکشی، ناخودآگاه، تشفی می‌یابد و روح زخم‌خورده‌اش آرام می‌گیرد.

\*\*\*

### نپیچه‌گیری

در این مقاله نشان دادیم که اولاً، گوگوش و شهناز تهرانی، در ضمیر ناخودآگاه جمعی ایرانیان، سمبول یک مادر دوچهره می‌باشند. به این ترتیب که گوگوش سمبول و فرامود «چهره‌ی اثیری مادر» و شهناز تهرانی سمبول و نشانه‌ی «چهره‌ی لکاته‌ی مادر» است، ثانیاً پدیده‌ی سنگسار در ایران با این مادر دوچهره‌ی «اثیری - لکاته» ارتباط دارد و نوعی انتقام‌گیری پسر از مادر بی‌وفاست.

\*\*\*

Email: [abbas.ahmadi@mailcity.com](mailto:abbas.ahmadi@mailcity.com)

Web site: <http://AbbasAhmadi.Tripod.com>

File: Googoosh.vnf